

## درباره لغت‌نامه کیمیا<sup>۱</sup>

تألیف روانشاد کریم امامی

علی خزاعی فر

مایلم سخن خود را با گفته‌ای از سمویل جانسن آغاز کنم تا ادای دینی باشد به همه لغت‌نامه‌نویسان همه زبان‌های بشری و از جمله موضوع سخن من، کریم امامی. سمویل جانسون، دیباچه لغت‌نامه خود را چنین آغاز می‌کند:

تقدیر کسانی که در زندگی به کارهای پست اشتغال دارند این است که مدام از شر بترسند و امیدی به خیر نداشته باشند، مدام در معرض انتقاد باشند بی‌آنکه توقع تحسین داشته باشند، مدام به دلیل اشتباهاتشان بی‌حرمت و به دلیل غفلت‌هایشان تنبیه شوند و اگر توفیقی هم کسب می‌کنند کسی زبان به ستایششان ننگشاید و تلاششان را بی‌پاداش بگذارد.

از جمله چنین افرادی لغت‌نامه‌نویسان هستند، کسانی که مردم آنان را نه طلبه علم بلکه برده علم می‌شمارند، پیش‌قراولان ادبیات، کسانی که محکومند به اینکه فضولات و موانع را از سر راه نبوغ و دانش بردارند، و راه را برای پیروزی و افتخار باز کنند بی‌آنکه کسی بر این موجود فروتن و زحمتکش که باعث پیشرفتشان شده لبخندی نثار کند. هر نویسنده‌ای امید دارد تحسینش کنند اما لغت‌نامه‌نویس فقط امیدوار است مذمتش نکنند ولی حتی این پاداش منفی هم کمتر نصیب کسی می‌شود.

انقلاب مشروطه اگرچه از نظر سیاسی به هدف خود نرسید، می‌توان گفت سرآغاز رنسانسی فرهنگی در ایران بود. شاید یکی از مهم‌ترین دستاوردهای فرهنگی انقلاب مشروطه توجه به زبان فارسی به‌ویژه فارسی گفتاری است، موضوعی که از همان دوره مشروطه تا به امروز دلمشغولی بسیاری از بزرگان ادب بوده است.

---

<sup>۱</sup> این مقاله متن سخنرانی اینجانب است که قرار بود در مجلس بزرگداشت مرحوم امامی قرائت شود که متأسفانه این مجلس برگزار نشد. با ارسال درود به روان مرحوم امامی از خانم امامی عزیز تشکر می‌کنم که بانی این نوشته بودند.

جدا از نقشی که زبان فارسی در انقلاب مشروطه ایفا کرد، در آغاز دوره ترجمه، فارسی گفتاری با انبوه واژگان غنی و استعاری خود به کمک ترجمه آمد تا مترجمان بتوانند گفت و گوهای رمان‌های غربی را بی‌آنکه چندان از شیوه بیان فارسی دور شوند به فارسی برگردانند. بعدها بسیاری از نویسندگان داستان‌های کوتاه و رمان از فارسی گفتاری نه فقط در نقل گفت و گوها که در توصیف‌ها نیز بهره بردند و بی‌تردید اعتلای این دو ژانر ادبی، مدیون قدرت و غنای فارسی گفتاری است.

همچنین زبان فارسی دلمشغولی ادیبانی شد که، فردوسی‌وار، ولی در قالب لغت‌نامه، به حفظ واژگان این زبان کمر بستند و عمر خویش را بر سر آن گذاشتند. علی‌اکبر دهخدا، محمد معین، حسن عمید، حسن انور، احمد شاملو، ابوالحسن نجفی در حوزه فرهنگ‌های یک‌زبانه و سلیمان حییم، برادران آریانپور، علی‌محمد حق‌شناس، محمدرضا باطنی، محمدرضا جعفری و بالاخره روانشاد کریم امامی در حوزه فرهنگ‌های دوزبانه از جمله کسانی هستند که رنج این دلمشغولی شیرین را به جان خریدند.

سخن من درباره روانشاد کریم امامی است. چرا نام او را در میان این فرهنگ‌نویسان آورده‌ام. به دو دلیل. دلیل اول عشق امامی به زبان فارسی است. در امامی، این عشق، خود را در دقت و سواس‌گونه او در انتخاب معادل نشان می‌دهد. دقت، متاعی که سرمایه کار لغت‌نامه‌نویس است. امامی، در یکی از معدود مقالاتی که قدر حییم، این خادم بزرگ زبان و فرهنگ فارسی را، می‌شناساند، دقت و خدمت او را به روشنی می‌ستاید. شیفتگی او نسبت به حییم زمانی به اوج می‌رسد که به سفارش فرهنگ معاصر ویراستی جدید از فرهنگ حییم آماده می‌کند. امامی بین خود و حییم شباهت‌های بسیاری می‌دید. هردو عاشق کلمات بودند. هردو ذهنی پژوهشگرانه داشتند. هردو بسیار دقیق بودند. البته کار امامی آسان‌تر از حییم بود چون فرهنگ حییم فرهنگی پیشگام است و در فرهنگ‌نویسی «فضل تقدم» صرفاً تعارفی خشک و خالی نیست. فرهنگ پیشگام راه ناهموار و پرسنگلاخ میان دو زبان را به راهی هموار بدل می‌سازد و فرهنگ‌های بعدی خواه ناخواه از خدمات فرهنگ پیشگام بهره می‌برند. شاید در روزگار حییم نوشتن فرهنگی دو زبانه جامع و کارآمد، ضرورتی تاریخی به حساب می‌آمد اما در روزگار امامی چنین ضرورتی وجود نداشت چون چندین فرهنگ فارسی-انگلیسی در بازار وجود داشت، از جمله فرهنگ حییم. انگیزه امامی از نوشتن چنین لغت‌نامه‌ای این بود که برای واژگان انگلیسی معادل‌های دقیق و امروزی و طبیعی پیدا کند. تجربیات او در حوزه ویراستاری، پژوهش و ترجمه به انگلیسی و فارسی سرمایه خوبی برای

این کار فراهم می‌کرد. باین‌حال، پروژه‌ی فرهنگ‌ او پروژه‌ی بزرگ و جاه‌طلبانه‌ای نبود. پروژه‌ای یک‌نفره بود که قرار بود مهم‌ترین ویژگی آن دقت آن باشد. پروژه‌ی بزرگ‌تر دقت او را کم می‌کرد. و اگر می‌خواست به خدمت‌ناشری دریابید و زیرنظر ناشر و با شرایط او کار کند، ممکن بود به سرعتی ناخواسته مجبور شود. می‌خواست با سرعت خودش و دقت خودش و شرایط خودش کار کند.

دلیل دوم که نام امامی را در میان برخی لغت‌نامه‌نویسان آورده‌ام این است که امامی پیروی سنتی در لغت‌نامه‌نویسی در ایران است که می‌توان آن را سنت فردی نامید. این سنت که آغازگر آن مرحوم دهخداست تا به امروز کم‌وبیش ادامه یافته است. برخی ویژگی‌های این سنت از این قرار است: فرد تشخیص می‌دهد در زمینه‌ی خصوصی نیاز به تألیف لغت‌نامه است. فرد در خانه یا در محیط کار و بدون حمایت دولتی یا ناشر خصوصی اقدام به فیش‌برداری می‌کند. شیوه کاری که فرد برمی‌گزیند بیش از آنکه منطبق با اصول شناخته‌شده‌ی فرهنگ‌نویسی باشد متأثر از تشخیص‌ها و ترجیحات ذوقی و تجربی اوست.

البته همه‌ی ویژگی‌های فوق ممکن است در همه‌ی فرهنگ‌نویسان پیرو این سنت صدق نکند. اما لغت‌نامه‌ی امامی مصداق کاملی از این سنت است زیرا همه‌ی ویژگی‌هایی که برشمردم در کار او دیده می‌شود. امامی در هنگام نوشتن لغت‌نامه‌اش تصویری از کار لغت‌نامه‌نویسی داشت که بر تجربه‌ی او از لغت‌نامه‌های متعدد مبتنی بود. مخصوصاً او هم تجربه‌ی ویرایش لغت‌نامه‌ی حمیم را داشت و هم بیش از چندین دهه با لغت‌نامه‌ی انگلیسی به انگلیسی آلبرت سیدنی هورنبری یا به اختصار ای‌اس هورنبری مأنوس بود. و به‌راستی چه کسی در نیمه‌ی دوم قرن بیستم زبان انگلیسی آموخته و نام هورنبری را نشنیده است. هورنبری یک حمیم انگلیسی بود. با اینکه امروزه کار لغت‌نامه‌نویسی از سنت فردی خارج شده و به‌صورت گروهی و با استفاده از علم لغت‌نامه‌نویسی و امکانات رایانه‌ای تهیه می‌شود اما هورنبری به اسطوره‌ای در لغت‌نامه‌نویسی تبدیل شده و فرهنگ او از جهت سادگی در توضیح نکات دستوری، تلفظی، و کاربرد کلمات و تعداد مدخل‌ها و زیرمدخل‌ها با توجه به حجم کتاب برای بسیاری از زبان‌آموزان سراسر جهان بهترین فرهنگ آموزشی زبان انگلیسی است. به گمان من هورنبری و حمیم دو سرچشمه‌ی الهام امامی بودند چون آن دو یک تنه فرهنگ‌های ماندگاری خلق کرده بودند. امامی ذهنی پژوهشگر و شخصیتی درونگرا داشت و پیرانه‌سر با توانی بیش از توان جوانی با امکانات شگفت‌انگیز کامپیوتر آشنا شده بود؛ در روزگاری که اهل نظر برکناره می‌رفتند، هزارگونه سخن در دهان و لب خاموش، گوشه‌ی اتاقش با منابع خاموش الهامش به

کار لغت پرداخت تا همچون اسلافش اثری منحصربه‌فرد به‌جا بگذارد. و چقدر خوب است که همان‌طور که همه فرهنگ‌های معتبر جهان روزآمد می‌شوند، از جمله فرهنگ هورنبی که در سال ۲۰۱۵ نهمین ویراست آن به بازار آمد، فرهنگ کیمیا هم مرتب روزآمد شود چون به‌راستی امامی بنای محکمی را در این کتاب گذاشته که ارزش بسط‌دادن و روزآمد شدن دارد.

سنت فردی در لغت‌نامه‌نویسی امتیازات بسیاری دارد. شاید بالاترین امتیاز آن انگیزه‌ای است که به لغت‌نامه‌نویس می‌دهد. لغت‌نامه‌نویس به‌خاطر پول کار نمی‌کند چون اساساً کار فرهنگ‌نویسی که پیچیده‌ترین نوع پژوهش است کاری کارمندی نیست. مایه آن عشق و حاصل آن رنج است. ولی این سنت تالی فاسد هم دارد و آن این که لغت‌نامه‌نویس سنتی، که نوعاً نگاهی ادیبانه به زبان دارد تا نگاهی زبان‌شناختی، چه آگاهانه چه ناآگاهانه، بیش از حد فردیت نشان بدهد و از اصول شناخته‌شده و دانش مسلم لغت‌نامه‌نویسی غفلت بورزد. نباید فراموش کرد که لغت‌نامه‌نویسی از مقوله شعر نیست. به هر میزان که شعر کاری فردی است، لغت‌نامه کاری جمعی است چرا که هدف لغت‌نامه‌نویس ثبت صورتی از زبان است که در دهان مردم می‌گردد نه صورتی آرمانی از زبان که در ذهن او می‌گذرد، و لذا ذوق و سلیقه او در انتخاب واژگان و نحوه پرداختن به آنها در کار لغت‌نامه‌نویسی جایی ندارد. برای مثال من خود نمی‌دانم چرا به لغت‌نامه باید بگویم فرهنگ. البته بین لغات و فرهنگ نسبتی برقرار است چون هر لغت در بطن فرهنگ زاده می‌شود و رشد و نمو می‌کند و در دل فرهنگ هم می‌میرد ولی در عین حال فرهنگ در نظر اول مفهومی غیر از کتاب و لغت‌نامه را به ذهن متبادر می‌کند.

بنده این سعادت را داشتم که به پیشنهاد امامی ویراستار لغت‌نامه کیمیا باشم. ویراستاری کتاب برای من افتخار بزرگی بود زیرا امامی کسی را انتخاب کرده بود که هم سابقه ویراستاری نداشت و هم در مشهد زندگی می‌کرد و ارسال مدخل‌ها با پست خودش در دسر بزرگی بود. بنده در سرتاسر لغت‌نامه به مواردی انگشت‌شمار برخوردارم که ناشی از عدم دقت بود. کار امامی از حیث نظم و یکدستی شگفت‌انگیز بود. او لغت‌نامه‌اش را بدون دستیار تهیه کرده بود و در فرمتی آماده‌چاپ در اختیار ناشر گذاشته بود. او خودش یک‌تنه کار حروفچین، صفحه‌آرا، نمونه‌خوان و حتی ویراستار را انجام داده بود. یادداشت‌های من در مقام ویراستار بیشتر در مورد مسائلی بود که امامی سلیقه و پسند شخصی‌اش را اعمال کرده بود. برای مثال در مواردی امامی کلمات پیشنهادی فرهنگستان را استفاده کرده بود. من

می‌گفتم کلمات را تا زمانی که تداول عام پیدا نکنند نباید وارد لغت‌نامه کرد. یا در مواردی امامی اعلام یا اسامی خاص بخصوص اسامی مربوط به تاریخ ایران قبل از اسلام را به‌عنوان مدخل انتخاب کرده بود و معتقد بود این نوع اطلاعات برای خواننده مفید است. همچنین در مورد مثال‌ها و تعریف جمله مثال اختلاف نظر داشتیم. من برخی مثال‌ها را پیشنهاد می‌کردم عوض شود یا حذف شود چون معتقد بودم در یک لغت‌نامه فارسی انگلیسی مثال نباید صرفاً یک نقش تزئینی داشته باشد بلکه باید کاربرد خاص یک کلمه یا وجهی خاص از معنی کلمه را نشان بدهد. و امامی هم با سعه‌صدر و بزرگواری این حرف‌های شاگرد خود را می‌پذیرفت.

در خاتمه مایلم به خاطره‌ای از امامی اشاره کنم. با آنکه من مطالب ارسالی را به‌سرعت می‌خواندم و می‌فرستادم اما گاهی که تأخیر می‌شد خانم امامی زنگ می‌زدند و می‌گفتند لطفاً سریع‌تر بفرستید. آن موقع از بیماری امامی مطلع نبودم و خیال می‌کردم دلیل این اصرار فشار ناشر است. اما وقتی به‌طور غیرمنتظره خبر درگذشت امامی را شنیدم خانم امامی گفتند به شما گفتم چندبار که ایشان وقت ندارند. در رفتن از این جهان هم امامی به سنت فرهنگ‌نویسان بزرگ پیش از خود تأسی کرد: ناظم‌الاطباء، دهخدا و معین. او هم نتوانست حاصل کار خود را به‌صورت کتاب ببیند. راهش پررهرو باد.

\*\*\*\*\*